

ماجرای ملاقات سعد حریری با آیت‌الله خامنه‌ای
به روایت طارق متری، وزیر فرهنگ لبنان

دشنه ظریف از میریلدا

مردم را نکشتند؟ ویران نکردند؟ سلاح مقاومت مثل همان دشنه از میریلداست. دشمن را نومید می‌کند و امکان عمل را از او می‌گیرد. گفتگوها ادامه پیدا کرد. اما سعد حریری کلمه‌ای درباره سلاح حزب الله سخنی نگفت. بعد از جلسه پرسیدم. نگفتی؟ گفت: دیدی جلسه را چگونه اداره کرد و بحث را پیش برد. می‌شد مطرح کرد؟

حزب‌الله لبنان از همان روز اول وارد میدان نبرد با رژیم شد. طوفان الاقصی که آغاز شد، بادهای شمالی نیز وزیدن گرفتند و یکی از ترس‌های دائمی صهیونیست‌ها از سال ۲۰۰۶ تا کنون رنگ واقعیت گرفت. ابتدا نظامیان اسرائیلی شکار حزب‌الله بودند اما رفته‌رفته و با تصعید تنش در کل جبهه و اقدامات وحشیانه‌ی رژیم در حمله به لبنان و ترور شهید صالح العاروری، مقاومت لبنان با هدف گرفتن خانه‌ها و زیرساخت‌های شهرک‌های غصبی، ساکنان آنان را دسته‌دسته به آوارگی کشاند. اما حزب‌الله که به راستی از ابتدای ۱۷ اکتبر قهرمانانه در کنار ملت مظلوم فلسطین ایستاده است چه نقشی را در این نبرد برای خود تعیین می‌کند؟ آیا مقاومت لبنان صرفاً یک نیروی نظامی است تا فشار دیگری همچون حماس از جنوب با توان بیشتر اسرائیل را در شمال درگیر کند؟ نسبت حزب‌الله با کشور لبنان چیست؟ برای پاسخ به این سوال باید کمی عقب‌تر برویم و نقش غیرطبیعی پروژه‌ی رژیم صهیونیستی را یک بار با عینک دیگری به نظاره بنشینیم.

یکی از طرح‌های همیشگی استعمارگران برای منطقه‌ی غرب آسیا، ایجاد تفرقه، نفاق و نوعی فرقه‌گرایی است که در ابتدا شعله‌ی نزاع را روشن نگه می‌دارد و سپس هویت‌های فرقه‌ای یا قومی و قبیله‌ای را در باور و زیست مردم منطقه تزییق

همراه سعد حریری به تهران سفر کردیم. قرار ملاقات با آیت‌الله خامنه‌ای بود. - این دیدار در آذرماه ۱۳۸۹ انجام شده است - قبل از دیدار قرار شد، جلسه‌ای با سعد حریری به عنوان نخست وزیر داشته باشیم. شش وزیر با هم همراه بودیم. جلسه در محل اقامت حریری در کاخ سعدآباد برگزار شد. سعد حریری گفت: باید مساله سلاح حزب‌الله را به عنوان مساله اصلی لبنان مطرح کنیم. من سخنی نگفتم، اما همه تأیید کردند. وقتی وارد دفتر آیت‌الله خامنه‌ای شدیم، ایشان بسیار گرم و صمیمانه سعد حریری را در آغوش گرفت. جوانی و هوشمندی‌اش را تحسین کرد. از مرحوم رفیق حریری ذکر خیری به میان آورد. از لبنان بسیار تعریف کردند. ناگاه از سعد حریری پرسیدند، آقای نخست وزیر شما رمان "گوژ پشت نتردام" را خوانده‌اید؟! خب پیداست که خوانده بود! سری تکان داد که معلوم نبود خوانده یا نه. آیت‌الله خامنه‌ای گفت. در این رمان یک زن بسیار زیبایی تصویر شده است. او زیباترین زن پاریس است. طبیعی است که قدرتمندان در صدد دستیابی به این زن هستند. لات‌های پاریس، قداره کشان، بانفوذها. اما همه می‌دانند که آن زن زیبا، اسمش چی بود؟! من گفتم از میریلدا! آیت‌الله خامنه‌ای با تمام چشمانش خندید و گفت احسنت! شما وزیر فرهنگ بودید! همه می‌دانستند که دسته صدف سپید بسیار تیز از میریلدا یک دشنه ظریف و کارا به همراه دارد. هر کس به او سوء نظری داشته باشد، از میریلدا از استفاده از آن دشنه تردید نمی‌کند. آقای نخست وزیر! لبنان مثل همان زن زیباست. لبنان عروس خاورمیانه است. خیلی‌ها به کشور شما نظر دارند. اسرائیل خطری است که شما را تهدید می‌کند. مگر تا خیابان‌های بیروت نیامدند؟ مگر